

شنبه 21 دی 1398-15 جمادی الاول 1441-11 ژانویه 2020

انتشار اولین شماره از روزنامه ی "عروة الوثقی" در پاریس (1301 ق)



انتشار اولین شماره از روزنامه ی "عروة الوثقی" در پاریس (1301 ق) سیدجمال الدین اسدآبادی، روحانی مبارز و دانشمند بزرگ مسلمان به منظور تحقق آرمان خود، مبنی بر اتحاد ملل اسلامی، انجمنی به نام "عروة الوثقی" دایر کرد و پس از مدتی، روزنامه ی این نام نیز به همین نام در پاریس منتشر ساخت. سیدجمال الدین با همکاری شیخ محمد عبده، با درج مقالات اسلامی و نیز مصاحبه با دانشمندان و سیاستمداران، نظر مسلمانان را به اندیشه ی خود و شعار اتحاد ملل اسلامی جلب کرد. سرانجام این روزنامه، در اثر فشارهای سیاسی برخی از دولت های آن زمان، در ماه ذیحجه ی همان سال (1301) پس از

چند ماه انتشار در اروپا، هند، مصر، ایران و چندین کشور عربی توقیف شد. تولد "میرزا محمد حسن، شیرازی" مرجع عالی مقام و استکبار ستیز شیعه (1230 ق) ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در 15 جمادی الاولی سال 1230 ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از 20 سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوار الفقاہه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی نوری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ فضل الله نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتاب فی الطہارہ، زیچاۃ العباد، رسالۃ فی الرضاع و رسالۃ فی المشتق می باشد. میرزا در سال 1312 ق در 82 سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. ولادت میرزا بزرگ شیرازی (1230 ق) ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی و مجاهد استکبار ستیز در 15 جمادی الاولی سال 1230 ق در شیراز متولد شد. وی قبل از 20 سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد. ایشان پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام شد و در حدود 30 سال این سمت را به عهده داشت. از شاگردان ایشان می توان علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ فضل الله نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را نام برد. صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو از طرف ایشان در زمان شاه قاجار به عنوان نخستین مقاومت منفی مردمی علیه بیگانگان بود.

ولادت امام سجاد (ع)، بنا بر روایتی (38 ق)

ولادت امام سجاد (ع) به روایتی در تاریخ یک شنبه پانزدهم جمادی الاولی سال ۳۸ هجری قمری و به روایت دیگر، در پنجم شعبان المعظم همان سال در مدینه به وقوع پیوست. مادر مکرمه ی آن حضرت، شهربانو و پدر بزرگوارشان حضرت امام حسین (ع) می باشند. سجاد و زین العابدین از القاب مشهور آن امام همام می باشد که این القاب به دلیل کثرت عبادت به آن حضرت اطلاق شده است. آن امام عظیم الشان در طول عمر پربرکتشان و در حوزه ی سیاسی برای پیش راندن مسلمانان به سوی نفرت از بنی امیه و افزودن حس مبارزه جویی با آنان، تلاش های مؤثری را به انجام رساندند و در فرصت های مختلف، مردم را بر ضد امویان تحریک می کردند. آن امام بزرگوار برای آگاهی مردم، شیوه ی دعا را به کار گرفتند، به گونه ای که به گفته ی بسیاری از عالمان علوم اسلامی، دعاهای آن حضرت، بازگوکننده ی رویدادهای عصر آن حضرت اند. صحیفه ی سجادیه که به زبور آل محمد (ص) مشهور است، اثر بی همتایی می باشد که در جهان اسلام، پیوسته مورد توجه بزرگان و علما و مصنفان قرار گرفته است.

سوزی نه های اسلام ب "زندگد سیم" و انقراض سلطنت ساسانی (642م) ساسانیان که بیش از 400 سال بر ایران حکومت کرده بودند در روزگار پس از قتل خسرو پرویز به دست فرزندش، به دلائل گوناگونی در سرآشویی سقوط و انحطاط قرار گرفتند. در همین هنگام آشفتگی بسیاری در اوضاع ایران پدید آمد و در طی چهار سال بیش از 10 نفر به سلطنت رسیدند، تا سرانجام یزدگرد سوم بر تخت سلطنت نشست. در زمان وی دولت ساسانی در اوج ضعف و درماندگی خود بود و خوش گذرانی امرا و ظلم و ستم بیش از حد پادشاهان، فشار زیادی بر مردم محروم وارد می آورد. استبداد پادشاهان، قدرت بی حساب مغان یا مقامات مذهبی، عدم تساوی اجتماعی، نظام غلط طبقاتی، اخذ مالیات های سنگین و شکل گیری نوع بردگی فکری از جمله دلائلی بودند که باعث شد هرگونه ندای اصلاح طلبی و جنبش آزادی خواهی مورد استقبال عمومی مردم

ستم&rlm دیده ایران واقع شود. از سوی دیگر اسلام به عنوان دینی مطرح گردید که اعتقادات آن با مبانی عقلی و فکری منطبق بود و جای&rlm؛ گزیننی توحید و یکتاپرستی به جای دو خدایی و پذیرش احکام و عمل به آن، برای ایرانیان که خواهان خروج از سخت&rlm؛ گیری&rlm؛ های موبدان زرتشتی بودند به عنوان مانده&rlm؛ ای آسمانی تلقی گردید. آنان با پذیرش دین اسلام، مساوات، برابری و برادری میان ضعیف و قوی و رهایی از جامعه طبقاتی ساسانیان را به دست می&rlm؛ آوردند. هم&rlm؛ چنین مدارا و عدم سخت&rlm؛ گیری اولیه مسلمانان و آزادی در عقیده و مذهب بدون تعرض، از عواملی بود که به سقوط ساسانیان و حاکمیت مسلمانان انجامید. در این اوضاع و احوال بود که سپاهیان اسلام در زمان خلیفه دوم به ایران حمله کردند و در طی جنگ&rlm؛ های قادسیه و نهاوند، ارتش مجهز ایران را شکست داده و اسلام را در آن نواحی منتشر ساختند. عقب&rlm؛ نشینی برخی امرا و اشراف و دهقانان ایرانی و حتی موبدان در برابر امواج هجوم نیروهای اسلام، ناراضیتی از حکومت ساسانیان و اسلام آوردن ایرانیان و همدلی با مسلمانان از عوامل مهم سقوط و اسلامی شدن تدریجی ایران بود و مقاومت&rlm؛ ها و شورش&rlm؛ های ضدعربی که در خلال فتح و پس از آن، در شهرها رخ می&rlm؛ داد، مانعی جدی در برابر گسترش اسلام نبود. همدلی برخی از اشراف و امرای ایرانی با مسلمانان باعث شد که بر جان و مال خود ایمن شوند و حتی از عطایای اسلامی بهره&rlm؛ مند گردند و گاه موقعیت اجتماعی و سیاسی خود را نیز حفظ کنند.

تهلد "هلباهو جیمز" فیلسوف و نظریه&rlm؛ پرداز معروف امریکایی (1842م) ویلیام جیمز، فیلسوف و روانشناس شهیر آمریکایی در یازدهم ژانویه 1842م در نیویورک به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در فرانسه گذراند و از ابتدای زندگی با زبان&rlm؛ های متعددی آشنا شد. ویلیام در همین زمان به نقاشی روی آورد و با علاقه زیاد در گالری&rlm؛ های هنری اروپا به مطالعه پرداخت؛ ولی معلمش او را از این کار باز داشت و وی را به کاری دیگر فراخواند. جیمز پس از آن به تحصیل علوم طبیعی و سپس طب مشغول شد و علی رغم اخذ دکترای پزشکی، از طبابت صرف نظر نمود و به روان&rlm؛ شناسی روی آورد. اما دیری نگذشت که از روان&rlm؛ شناسی نیز چشم پوشید و به فلسفه پرداخت. ویلیام جیمز در نهایت دریافت که رستگاری و نجات او در وجود خودش نهفته است از این رو اعلام کرد که به رغم رنج و دردم، زندگی خود را بر پایه کارها، رنج&rlm؛ ها و ابتکارات خویش بنیان خواهم گذاشت. وی در سال&rlm؛ های بعد، وقتش را صرف فراگیری و سپس بسط فلسفه اصالت عمل یا پراگماتیسم نمود. از نقطه نظر جیمز، نجات و رستگاری انسان متکی به اراده خود اوست. جهان سراسر خوب نیست ولی اگر ما اراده کنیم می&rlm؛ توانیم آن را بهتر سازیم. در همین سال&rlm؛ ها، جیمز به نگارش کتاب اصول روان&rlm؛ شناسی پرداخت که نشان دهنده عطف توجه جیمز از علم به فلسفه است. روان&rlm؛ شناسی او، پیش از آنکه مطالعه نموده‌های ذهن باشد، مطالعه انسان&rlm؛ های زنده است. جیمز اعلام داشت که مطالعه شور و وجدان آدمی باید تابع مطالعه سلوک و اخلاق آدمی بوده و روان&rlm؛ شناسی باید در حکم مقدمه&rlm؛ ای برای علم اخلاق باشد. به عبارت دیگر، ذهن یک ابزار مادی نیست، یک وسیله روحی است. ذهن تنها ثبات اندیشه&rlm؛ ها نیست، بلکه مؤلف و آفریننده آنهاست. ذهن معلم و راهنمای ما به سوی دنیای آزادتر، آرام&rlm؛ تر و بهتر است. این اندیشه، جیمز را دوباره به فلسفه کوشش برای بهتر ساختن جهان می&rlm؛ کشاند. وی با تصدیق اینکه جهان پر از شر و بدی است، می&rlm؛ گفت: این همان چیز است که زندگی ما را با ارزش و قابل تحمل می&rlm؛ سازد. زیرا وجود شر به ما گران&rlm؛ بهاترین چیز را ارزانی داشته است و آن امید است. امید آن فعالیت اخلاقی است که ما را به مبارزه و در صورت امکان به غلبه بر شر و بدی برمی&rlm؛ انگیزد. جیمز می&rlm؛ گفت: ما آن قدرت را داریم که جهان را بهتر سازیم زیرا دارای اراده آزاد هستیم. جیمز معتقد است که این دنیا یک عنصر تام و تمام پرداخته نیست بلکه ترکیبی از عناصر مجزا و متضاد است. سوی دیگر، جهان نظم واحدی نیست بلکه نظامی متکثر است. مجموعه&rlm؛ ای از جریانات مخالف است که بعضی از آنها خوب و بعضی بد هستند. کار ما آن است که بر بدی&rlm؛ ها غلبه کنیم و خوبی&rlm؛ ها را تثبیت نماییم. در این میان، کمترین موفقیت نیز چنان شرافتی به تلاش&rlm؛ های ما می&rlm؛ دهد که هر گونه کوششی را ارزش&rlm؛ مند می&rlm؛ کند. در این فلسفه، جیمز عنوان می&rlm؛ کند: جنگیدن به خاطر خوبی، حتی اگر به نتیجه&rlm؛ ای منتج نشود شادی&rlm؛ بخش است. این را نیز باید به خاطر داشت که در این جنگ خدا یار ماست. جیمز دنیا را ترکیب و مجموعه&rlm؛ ای از واقعیات می&rlm؛ داند و حقیقت را انکار می&rlm؛ کند. وی بر این عقیده بود که آنچه را ما حقیقت می&rlm؛ نامیم تنها یک فرض است، فرض کارآمدی که ما را قادر می&rlm؛ سازد تا اندکی از آشوب را به اندکی از نظم تبدیل کنیم. آنچه دیروز حقیقی بود امروز ممکن است حقیقت نداشته باشد و حقایق کهن چون ابزار کهنه ممکن است زنگ بزند و دیگر به کار نیاید. حقیقت نمی&rlm؛ تواند در همه وقت و برای همه افراد وجود داشته باشد. به عقیده جیمز، معنا و مفهوم زندگی، در مجادلات و منازعات ویرانگر میان انسان&rlm؛ ها نیست بلکه در کوشش مشترک همه بشریت برای غلبه بر نیروهای شر و اهریمنی است. به عبارت دیگر، فلسفه عملی، دستگاه فلسفی خاصی نیست، بلکه در حقیقت روشی است برای به دست آوردن نتایج عملی. فلسفه اصالت عمل جیمز، مجموعه&rlm؛ ای از نظریات و دیدهاست و خصوصیت عمده آن، بی&rlm؛ طرفی در میان عقاید و آرا است. از کتاب&rlm؛ های معتبر جیمز، اراده باور کردن، انواع تجارب دینی، فلسفه اصالت عمل و معنای حقیقت را می&rlm؛ توان نام برد. ویلیام جیمز سرانجام در 26 اوت 1910م در 68 سالگی درگذشت.